



بررسی فقهی و تطبیقی اوقات نماز در مذاهب خمسّه

خدیجه احمدی^۱

چکیده:

موضوع این پژوهش بررسی اوقات نماز در مذاهب پنجگانه است، از جمله اختلافات بین مذاهب به شرح ذیل می‌باشد:

- امامیه وقت نماز ظهر و عصر را وقت زوال خورشید تا غروب می‌دانند، اما مذاهب اربعه زوال تا دو برابری سایه شیء را وقت نماز ظهر و بعد از آن تا غروب را وقت نماز عصر می‌دانند.

- فقهای امامیه معتقدند غروب با از بین رفتن سرخی مشرق حاصل می‌شود، ولی مذاهب چهارگانه غروب خورشید را سقوط قرص می‌دانند.

- امامیه انتهای نماز مغرب و عشاء را نیمه شب می‌دانند، اما مذاهب اربعه انتهای مغرب و عشاء را به ترتیب از بین رفتن شفق و گذشتن ثلث شب می‌دانند.

عامل اصلی این اختلافات، اختلاف تعبیر و تفاسیری است که هر یک از مذاهب از واژه‌های به کار رفته در آیه شریفه ۷۸ سوره اسراء دارند. براساس همین آیه، امامیه قائل به وقت مشترک، وقت فضیلت و وقت مخصوص برای نمازهای ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء هستند. اما عالمان اهل سنت برای هر نماز، وقت مخصوص قائل‌اند و وقت مشترک نمازهای یومیّه را که بتوان در آن نماز را جمع خواند نمی‌پذیرند، در حالیکه روایات زیادی از اهل سنت که حاکی از آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله دو نماز را بدون عذر با هم به جا می‌آوردند.

واژگان کلیدی: اوقات نماز، فجر، زوال، غروب، مذاهب خمسّه.

^۱ کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی گرایش کلام جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگی خراسان



مقدمه:

قال الله تعالى في كتابه: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» (نساء، ۱۰۳) نظم در جهان، حرکت زمین و خورشید و تغییر فصول و اوقات شبانه روز بر این امر دلالت دارد که در این جهان هر چیزی دارای وقت خاص خود است. در زمینه احکام الهی نیز باید توجه داشت که این احکام نیز دارای وقت هستند که گاهی وقت آنها وسیع‌تر از زمانی که باید آن را انجام دهند است و گاهی مضیق.

نماز اولین عبادتی است که خداوند متعال در شب معراج بدون واسطه بر رسولش صلی الله علیه و آله واجب کرده است. سپس در آیات قرآن کریم اوقات نماز را بیان فرموده: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (اسراء/۷۸) یعنی مسلمانان ملزم هستند که نماز را در این اوقات خاص انجام دهند و اگر کسی عمداً وقت نماز را رعایت نکند عصیان کرده و مستحق عذاب است. نماز از عباداتی است که توجه خاص به آن شده زیرا در هیچ حالتی سفر، حضر، سلامتی، بیماری، خوف، امنیت و... اجازه رها شدن و ترک کردن آن داده نشده است. با اینکه نماز ذکر الهی است ولی قرآن کریم بعد از آنکه موضوع ذکر الهی را بیان می‌کند، بلافاصله موضوع نماز را مطرح می‌سازد و آن را جداگانه بیان می‌کند: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ» (نور/۲۴)

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «یک تقابل بسیار زیبا در این آیه مطرح است، چون تجارت یک حرفه و شغل مستمر و بیع یک حرفه و شغل موقت است، همچنین یاد خدا یک عبادت دائم و مستمر و نماز یک عبادت موقت است. بنابراین معنای آیه شریفه این است که مردان الهی کسانی هستند که حرفه و شغل مستمر و موقت آنها را از عبادت خدا نه به طور مستمر و نه به طور موقت باز نمی‌دارد.» (طباطبایی، ج ۱، ص ۱۸۰)

مسأله اوقات نماز از دیرباز مورد اختلاف میان فقهای امامیه و اهل سنت بوده است و فقهای بزرگی، در آثار خویش به این مسأله پرداخته‌اند و برخی به صورت مستقل در این زمینه کتاب نوشته‌اند.

به دلیل اهمیت بحث و اختلافاتی که بین مذاهب خمسسه در مسأله مذکور به وجود آمده، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با

هدف تبیین حقیقت و دفاع از مذهب حقّه شیعه نگاشته است. به همین منظور، بعد از بیان کلیات در فصل اول، در فصل دوم مفاهیم اصلی پژوهش معنا شده است. سپس در فصل سوم، اوقات نمازهای یومیّه در مذاهب خمسّه توضیح داده شده است و در فصل چهارم، حکم جمع بین نماز (ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء) بررسی شده است.

معنای لغوی وقت

مقداری از زمان و هر چیزی که دارای غایت زمانی باشد موقت خوانده می‌شود. (فراهیدی، ج ۵، ۱۹۹) مبدای که بیانگر محدودیت یک چیز و کامل بودن آن در یک زمان و مکان‌های دیگر است. الوقت: زمان معلوم و موقت: چیز محدود. (ابن فارس، ج ۶، ۱۳۱)

معنای اصطلاحی وقت

کاری که برای آن زمانی قرار داده شده که در آن انجام شود موقت خوانده می‌شود و در قرآن کریم «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» (النساء/۱۰۳) یعنی دارای وقت مشخصی است که نباید از آن تاخیر بیفتد. (ابوجیب، ۳۸۴) «ما يقدر ظرفاً لحدوث حادث أو حوادث ممتد بامتدادها» (المرتضی، ج ۲، ۲۹۸)

انواع وقت

وقت اجزاء

مطلق آنچه بین دو طرف وقت است، مگر وقت خاصّ یکی از دو نماز. پس وقت اجزاء، اعم از وقت فضیلت و خارج از وقت فضیلت است. (فرهنگ فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ۳۲۲)

وقت اختیاری و اضطراری

مقصود از وقت اختیاری، فاصله زمانی است که مکلف بدون عذر می‌تواند فعل را در هر جزء آن به جا آورد. در مقابل، وقت اضطراری، آن گاه است که تنها برای معذوران و افراد دچار اضطرار روا باشد. از این رو، تأخیر فعل از وقت اختیاری برای غیر معذوران جایز نیست و گناه به شمار می‌رود. (طوسی، ج ۱، ۷۲)



وقت مشترک و مختص

قسمتی از وقت نماز است که مختص به همان نماز است که اگر در آن وقت مخصوص، عمداً نماز واجب ترتیبی دیگری خوانده شود، نماز باطل است. (فرهنگ فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ۳۳۲)

وقت فضیلت و عادی

وقت فضیلت، بخشی از وقت اختیاری است که انجام فعل در آن، بر دیگر بخش‌ها برتری دارد. وقت عادی، بخشی از وقت اختیاری است که انجام فعل در آن، بر دیگر بخش‌ها برتری ندارد. (همان)

صلاة

معنای لغوی: صلاة در لغت از ریشه «صلو» گرفته شده و به معنای دعا و استغفار است. (فراهیدی، ج ۷، ۱۵۳؛ ابن منظور، ج ۱۴، ۴۶۴) و کلمه «صلوات» جمع «صلاة» است. (فراهیدی، ج ۷، ۱۵۳؛ صاحب بن عباد، ج ۸، ۱۸۴) صلوات، جمله‌ای دعایی و درود خاص بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد که مسلمانان هنگام آوردن نام آن حضرت به صورت‌های مختلف، مانند «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» ذکر می‌کنند. صلوات خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای رحمت است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/ ۵۶) و صلوات از سوی فرشتگان، دعا و استغفار می‌باشد. (ابن منظور، ج ۱۴، ۴۶۵) با توجه به این که در نماز دعا و استغفار هست، لذا به آن «صلاة» گفته شده است. (همان)

معنای اصطلاحی: در آیات قرآن کریم «صلاة» در مفهوم «نماز» و یکی از عبادات، به کار رفته است. بعضی وجه تسمیه آن را از باب نامگذاری کل به جزء دانسته‌اند. در حقیقت در نماز توجه و انعطافی از بنده به خدا است، همان طور که از خدا به بنده و نماز در واقع یادآوری مخصوص خدا و روی کردن به سوی اوست با کیفیتی که شرع بیان داشته و فریضه نماز «صلاة» نامیده شده است، زیرا نماز گزار با اعمال خود و به جا آوردن آن مطابق دستورات خداوند، پذیرش خواسته خود و بهرمندی از ثواب الهی را طلب می‌کند. (طبری، ج ۱، ۲۴۸)

فجر

معنای لغوی: فجر در لغت به معنای ایجاد شکاف به همراه آشکار شدن چیزی از میان آن شیء است که از مصادیق آن، شکافته شدن تاریکی و آشکار شدن نور از میان آنها و یا شکافته شدن کوه و خارج شدن آب از میان آن است. (مصطفوی، ج ۹، ۳۰)

معنای اصطلاحی: به روشنایی قبل از طلوع آفتاب، فجر گفته می‌شود، به این دلیل که انگار این روشنایی، تاریکی شب را می‌شکافد. (مصطفوی، ج ۹، ۳۰) فجر در اصطلاح به معنای نور صبح و آن سرخی خورشید در سیاهی شب است و آن دو نوع فجر است: یکی مستطیل و کاذب است که بنام ذنب الصرحان است (دم روباه) و دیگری پراکنده است که صادق است و در افق گسترش یافته و روزه دار را از خوردن غذا و نوشیدن منع می‌کند و صبح همان فجر صادق است. (ابن منظور، ج ۵، ۴۵)

زوال

معنای لغوی: رفتن، تغییر شکل دادن، نیست شدن. (ابن منظور، ج ۱۱، ۳۱۳؛ فراهیدی، ج ۷، ۳۸۴)

معنای اصطلاحی: مراد از زوال خورشید، حرکت آن از وسط آسمان به سمت مغرب است و نشانه این حرکت، آن است که سایه اشیاء پس از کوتاه شدن در وسط روز، شروع به بلند شدن کند. (ابوجیب، ۱۶۱) متمایل شدن آفتاب از وسط آسمان به سمت مغرب. (مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ج ۴، ۳۰۷)

دلوک

معنای لغوی: واژه «دلوک» از ریشه «دلک» گرفته شده است که به معنای سائیده شدن و کشیده شدن دو چیز به یکدیگر است. (مصطفوی، ج ۳، ۲۳۳)

معنای اصطلاحی: دلوک خورشید یا به معنای مرور آن از آخرین خط زمین است که در این صورت اشاره به وقت غروب دارد. (مصطفوی، ج ۳، ۲۳۳) و یا به معنای مرور آن بر اوج آسمان دارد که به معنای وقت زوال خورشید (هنگام ظهر) است. (طریحی، ج ۵، ۲۶۶)





غسق

معنای لغوی: تاریکی شب، آغاز تاریکی، شب، هنگام زوال شفق و شدت تاریکی (نیمه شب)
(ابن منظور، ج ۱۰، ۲۸۸؛ واسطی، ج ۱۳، ۳۷۷؛ اصفهانی، ۶۰۶)

معنای اصطلاحی: هنگامی که تاریکی جمع شده و شدت گرفته است. (فخررازی، ج ۲۱، ۳۸۳)

شفق

قرمزی از غروب خورشید تا زمان عشاء آخرین. (فراهیدی، ج ۵، ۴۴) بقیه نور خورشید و قرمزی آن در ابتدای شب که در مغرب تا نماز عشاء دیده می‌شود. (ابن منظور، ج ۱۰، ۱۷۹)
قرمزی که هنگام غروب خورشید در افق ظاهر می‌شود و از غروب آفتاب تا تقریباً قبل از شام ادامه دارد. سفیدی که با غایب شدن آن وقت مغرب خارج و وقت عشاء داخل می‌شود. (ابوجیب، ۱۹۹)

اوقات نمازهای یومیه در مذاهب خمسسه

اهمیت اوقات نماز در نمازهای یومیه

در میان عباداتی که به وسیله آنها به خداوند سبحان، تقرب می‌جوئیم، عبادتی مهم‌تر و ارجمندتر از «نماز» نیست. نماز تنها عبادتی است که ما به طور مستمر و در اوقات مختلف شب و روز و در هر موقعیتی، آن را بجا می‌آوریم و در هیچ شرایطی حتی در موقعیتهای بسیار دشوار مانند حالت غرق شدن یا در هنگام جنگ، ترک نمی‌شود و در هر حال واجب است.

در اینجا برخی از آیات و روایاتی که در آن اهمیت نماز ذکر شده بیان می‌شود.

اهمیت وقت نماز در آیات قرآن

قرآن کریم می‌فرماید: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره/ ۲۳۸)
مواظب نمازها مخصوصاً نماز وسطی باشید (در انجام آنها کوشا باشید) و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید.

آیه کریمه فوق به ما آگاهی می‌بخشد که مقید بودن به اوقات نماز، ضروری است زیرا محافظت و مواظبت بر نماز به معنای اهتمام به نماز و به حدود و احکام آن می‌باشد. از بارزترین احکام نماز، مقید بودن به وقت نماز است و لذا در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام در معنای آیه بالا آمده است: «منظور از محافظت بر نماز، اقبال و رو آوردن به نماز و مواظبت بر وقت آن است تا انسان از آن غافل نشود و چیز دیگری او را به خود مشغول نگرداند. (عیاشی، ج ۱، ۱۲۷)

سیاق آیه بالا نیز بر اهمیت وقت نماز دلالت می‌کند زیرا پروردگار ما نماز راحتی در هنگام جنگ واجب کرده است با اینکه معمولاً در این حالت، بسیاری از شرایط نماز مانند: استقرار، آرامش، مراعات قبله، رکوع و سجود امکان‌پذیر نیست و اگر موضوع وقت، اهمیت زیادی نمی‌داشت، ادای نماز به تأخیر انداخته می‌شد تا سایر شرایط آن نیز فراهم آیند. فقها از مجموعه نصوص (آیات و روایاتی) که بر وقت تأکید دارند، استنباط کرده‌اند که ترک نماز در هیچ حالتی جایز نیست و مسأله وقت، مهم‌تر از سایر شرایط است.

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» (نساء/۱۰۳) هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید، ایستاده و نشسته و در حالیکه به پهلو خوابیده‌اید و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت) نماز را انجام دهید زیرا نماز وظیفه ثابت و با وقت معینی برای مؤمنان است.

برای کلمه «موقوت» که در آیه بالا آمده است، دو معنی ذکر شده است:

در روایات، موقوت به معنای «ثابت» آمده است. (طباطبایی، ج ۵، ۶۷)

در برخی از تفاسیر، موقوت را به «چیزی که دارای وقت خاصی است»، معنی کرده‌اند. (طوسی، ج ۳، ۳۱۳) هر دو معنی در تفسیر آیه قابل قبول است. بدین ترتیب، آیه دلالت روشنی بر اهمیت اوقات نماز دارد و اینکه وقت، نسبت به همه شرایط واجب در نماز، اولویت و اهمیت ویژه‌ای دارد.



اهمیت وقت نماز در روایات

پیامبر خدا [وارد مسجد شد و در آنجا عده‌ای از اصحابش حضور داشتند. حضرت فرمود: «تدرون ما قال ربکم؟ قالوا: اللّٰه و رسوله أعلم. قال: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ: إِنَّ هَذِهِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ مِنْ صَلَّاهُنَّ لَوْقْتِهِنَّ وَ حَافِظَ عَلَيْهِنَّ لَقِينِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدِي عَهْدٌ ادْخَلَهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ لَمْ يَصَلِّهِنَّ لَوْقْتِهِنَّ وَ لَمْ يَحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَاكَ إِلَيَّ إِنْ شِئْتَ عَذِّبْتَهُ، وَ إِنْ شِئْتَ غَفَرْتَ لَهُ» (صدوق، ج ۱، ۲۰۸) «می‌دانید پروردگار شما چه می‌گوید؟ عرض کردند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند. حضرت فرمود: پروردگار شما می‌فرماید: کسی که این پنج نماز واجب را در وقتش انجام دهد و مواظب آنها باشد، در روز قیامت مرا ملاقات می‌کند در حالیکه نزد من عهده‌ی دارد که بر اساس آن، او را وارد بهشت می‌گردانم، اما کسی که این نمازها را در وقتش ادا نکند و مواظب آنها نباشد، در اختیار من خواهد بود، اگر خواستم عذابش می‌کنم و اگر خواستم می‌بخشم.

پیامبر اسلام [فرمود: «مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ لَغَيْرِ وَقْتِهَا رُفِعَتْ لَهُ سُودَاءُ مَظْلَمَةٌ تَقُولُ: ضَيِّعْتَنِي، ضَيِّعَكَ اللَّهُ كَمَا ضَيِّعْتَنِي، وَ أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى عَنِ الصَّلَاةِ، فَإِنَّ زَكَتَ صَلَاتِهِ زَكَ سَائِرِ عَمَلِهِ، وَ إِنْ لَمْ تَزَكْ صَلَاتُهُ لَمْ يَزَكْ عَمَلُهُ».

«کسی که نماز را در غیر وقت آن بخواند، نماز او سیاه و تاریک به بالا می‌رود و به او می‌گوید: مرا تباه ساختی، خداوند تو را تباه گرداند همانطور که مرا تباه ساختی و اولین چیزی که از بنده در هنگامیکه در محضر خداوند می‌ایستد سؤال می‌شود، نماز است. پس اگر نماز او، پاک و شایسته باشد، بقیه اعمال او نیز مورد قبول خواهد بود، و اگر نمازش مورد رضایت خداوند نباشد، سایر اعمال او نیز مورد رضایت و خوشنودی خداوند نخواهد بود» (حرعاملی، ج ۴، ۱۱۰)

بیان اوقات نمازهای یومیه

نماز صبح

آغاز وقت نماز صبح

مذاهب پنجگانه در آغاز وقت نماز صبح را با یکدیگر اختلاف ندارند و همگی طلوع فجر ثانی را اول وقت صبح می‌دانند. (طوسی، ج ۱، ۲۶۷)

امامیه به استناد آیه شریفه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (اسراء / ۷۸) قائل است که آغاز وقت نماز صبح با همان تعبیر قرآن «القرآن الفجر» بیان شده است. (العروسی الحویزی، ج ۳، ۲۰۰)

وقت فضیلت نماز صبح

امامیه وقت فضیلت نماز صبح را از طلوع فجر می‌داند تا حادث شدن سرخی در مشرق. (قمی، ج ۱، ۳۱۰)

آخر وقت نماز صبح

- امامیه آخر وقت نماز صبح را دو وقت می‌داند:

۱- وقت انسان مختار که تا روشن شدن هوا و شناختن صورت مردم است؛

۲- وقت انسان مضطر که تا طلوع خورشید ادامه دارد. (طوسی، ج ۱، ۲۶۷)

- شافعیه نیز بر این نظر است. (النووی، ج ۳، ۴۳- الخطیب الشربینی، ج ۱، ۳۰۳)

- حنفیه و حنبله آخر وقت نماز صبح را طلوع خورشید می‌دانند بدون تفصیل دادن. (طوسی، ج ۱، ۱۴۱؛ الجزیری، ج ۱، ۱۶۸)

- مالکیه برای صبح دو وقت قائل است:

۱- وقت اختیاری که از طلوع فجر تا شناختن صورت مردم است؛

۲- وقت اضطراری که از شناختن صورت مردم است تا طلوع خورشید. (مغنیه، ۸۱؛ الجزیری، ج ۱، ۱۶۸-۱۶۹)





نماز ظهر

آغاز وقت نماز ظهر

مذاهب خمسۀ معتقدند وقت نماز ظهر در آیه ۷۸ سوره اسراء با بیان «دلوک شمس» مشخص شده، از نظر فقهای امامیه و اهل سنت دلوک به معنای زوال خورشید است. (جواهری نجفی، ج ۷، ۹۷؛ مالک، ج ۲، ۱؛ شافعی، ج ۱، ۹۰)

از راههای شناخت زوال نصب شاخص بر زمین است. با نصب شاخص پس از طلوع خورشید سایه آن به سمت مغرب خواهد بود. هر چه خورشید بالاتر رود، سایه شاخص کوتاهتر می‌گردد. با قرار گرفتن خورشید در وسط آسمان، در صورتی که عمودی بتابد، سایه از بین می‌رود؛ اما اگر مقداری متمایل بتابد، سایه‌ای کوتاه در ناحیه شمال یا جنوب باقی می‌ماند. با تمایل آفتاب به سمت مغرب، سایه زوال یافته شاخص در سمت مشرق پدید می‌آید و یا اگر چیزی از آن مانده بود، در سمت مشرق افزایش می‌یابد و هرچه خورشید به سمت مغرب می‌رود، سایه بلندتر می‌شود. این افزایش دوباره سایه شاخص پس از کاهش و یا پیدایش سایه پس از برطرف شدن، از راههای شناخت ظهر شرعی است. (طباطبایی یزدی، ج ۲، ۲۵۱)

وقت مختصّ نماز ظهر

- امامیه وقت مخصوص نماز ظهر را از ابتدای برگشت سایه زوال می‌دانند تا زمانی که فقط بتوان چهار رکعت نماز خواند. (حرعاملی، ج ۴، ۱۲۵؛ طوسی، ج ۲، ۲۵؛ صدوق، ج ۱، ۳۲۴)

- مذاهب چهارگانه وقت مختصّ نماز ظهر را از اول زوال آفتاب می‌دانند تا اینکه سایه هر چیز به اندازه خودش بشود و اگر اضافه‌تر از این مقدار شد وقت نماز ظهر گذشته است ولی شافعی و مالکی قائلند که این حد مخصوص اختیاری است اما مضطر وقت ظهر را تا بعد از این مقدار ادامه می‌دهد. (طوسی، ج ۱، ۲۵۷؛ ابن قدامه، ج ۱، ۷۷؛ العینی، ج ۲، ۲۰)

وقت فضیلت نماز ظهر

امامیه: وقت فضیلت ظهر، از اول زوال آفتاب است تا این که سایه‌ای که در اول ظهر، شروع به برگشتن می‌کند، به قدر مثل شاخص شود. (اصفهان‌ی، ۱۶۷)

آخر وقت نماز ظهر

- از نظر امامیه، وقت نماز ظهر، ممتد است تا این که به غروب آفتاب، به قدر ادای عصر، باقی بماند. (اصفهانی، ۱۶۷)

- از نظر مذاهب اربعه، آخر وقت نماز ظهر زمانی است که سایه هر چیز به اندازه خودش بشود و اگر اضافه تر از این مقدار شد وقت نماز ظهر گذشته است ولی شافعی و مالکی گفته‌اند این حد مخصوص اختیاری است، اما مضطر وقت ظهر را ادامه می‌دهد تا بعد از این مقدار و حنیفه، بین آخر وقت نماز ظهر و اول وقت نماز عصر، فاصله انداخته و معتقد است: آخر وقت نماز ظهر، همانند سایه بوده و اول وقت نماز عصر همان دو برابری سایه شیء است. (طوسی، ج ۱، ۲۵۷؛ ابن قدامه، ج ۱، ۷۷؛ العینی، ج ۲، ۲۰)

نماز عصر

آغاز وقت نماز عصر

- امامیه اول وقت نماز عصر را پس از گذشتن مقدار چهار رکعت نماز از هنگام زوال خورشید می‌دانند. (بهایی، ۱۱۳)

- مذاهب اربعه قائلند که ابتدای وقت نماز عصر از اضافه شدن سایه از اندازه خود شروع می‌شود تا غروب آفتاب، مالکیه در این مورد نیز قائل به تفصیل است و بیان می‌کند که نماز عصر دو وقت دارد: ۱- ضروری ۲- اختیاری.

وقت اختیاری آن از اضافه شدن سایه از اندازه خودش شروع می‌شود و تا زردی خورشید استمرار دارد و وقت ضروری نماز عصر از زرد شدن خورشید تا غروب آفتاب است. (الجزیری، ج ۱، ۱۶۷؛ مغنیه، ۷۹؛ ابن قدامه، ج ۱، ۲۷۲)

- حنیفه معتقد است اول وقت نماز عصر همان دو برابر سایه شیء است. (طوسی، ج ۱، ۲۵۷؛ ابن قدامه، ج ۱، ۲۷۲؛ العینی، ج ۲، ۲۰)





وقت مختص نماز عصر

- امامیه وقت مخصوص عصر را از آخر روز به اندازه‌ای که فقط بتوان چهار رکعت نماز خواند می‌دانند که به مجرد تمام شدن نماز غروب شود. (طوسی، ج ۲، ۲۵؛ بهایی، ۱۱۳)
- مذاهب اربعه جز حنفیه وقت مخصوص نماز عصر را از انتهای وقت نماز ظهر تا قبل غروب خورشید می‌دانند. (عبدالرحمان الجزیری، ج ۱، ۱۶۷؛ مغنیه، ۷۹؛ العینی، ج ۱، ۲۷۲)
- حنفیه وقت مخصوص نماز عصر را از دو برابری سایه شی تا غروب خورشید می‌دانند. (طوسی، ج ۱، ۲۵۷؛ ابن قدامه، ج ۱، ۲۷۲؛ العینی، ج ۲، ۲۰)

وقت فضیلت نماز عصر

- امامیه: وقت فضیلت عصر از برابری سایه به اندازه خود شاخص است تا این که دو برابر شاخص شود. (قمی، ج ۱، ۳۱۰)

آخر وقت نماز عصر

- امامیه آخر وقت عصر را وقتی می‌دانند که تا غروب آفتاب، به مقدار خواندن نماز عصر، وقت باقی باشد. (بهایی، ۱۱۳)
- شافعیه و حنفیه بر این قول اند که آخر وقت نماز عصر، تا زمانی است که خورشید غروب نکرده است. (العینی، ج ۲، ۲۱)
- مالکی در این مورد نیز قائل به تفصیل است و گوید: نماز عصر دو وقت دارد: ۱- ضروری؛ ۲- اختیاری. وقت اختیاری آن از اضافه شدن سایه از اندازه خودش شروع می‌شود و تا زردی خورشید استمرار دارد و وقت ضروری نماز عصر از زرد شدن خورشید تا غروب آفتاب است. (مغنیه، ص ۸۰؛ ابن قدامه، ج ۱، ص ۲۷۳)
- حنابله قائلند کسی که نماز عصر را تا سایه هر چیز از دو برابر آن تجاوز کند تأخیر اندازد نماز او تا غروب ادا می‌باشد ولی نمازگزاری که این وقت را تاخیر اندازد گناه کرده است چون بر او حرام بوده و حنابله در این قول از سایر مذاهب منفردند. (مغنیه، ص ۸۰)

وقت مشترک نماز ظهر و عصر

امامیه فاصله بین دو وقت مخصوص نماز ظهر و عصر را وقت مشترک این دو نماز می‌دانند بدین لحاظ گفته‌اند جمع بین نماز ظهر و عصر در وقت مشترک جایز است. (عاملی، ج ۲، ۳۲۴؛ طوسی، ج ۱، ۲۶۰)

نماز مغرب

آغاز وقت نماز مغرب

- امامیه اول وقت نماز مغرب را هنگام غروب آفتاب می‌دانند. مطابق دیدگاه امامیه از بین رفتن سرخی از سراسر مشرق علامت غروب است اگر چه این سرخی در ناحیه غرب باقی باشد. (بهایی، ۳۸؛ طوسی، ج ۱، ۲۶۱؛ حرعاملی، ج ۴، ۱۷۳؛ طوسی، ج ۱، ۷۴؛ شیخ انصاری، ج ۱، ۷۰)

- مذاهب اربعه در آغاز وقت نماز مغرب با یکدیگر اختلافی ندارند و به اتفاق آرا، آغاز وقت مغرب را غروب خورشید می‌دانند که با ناپدید شدن قرص خورشید، به گونه‌ای که با چشم دیده نشود و نور آن نیز از مکان‌های بلند، همچون قله کوه‌ها و بالای برج‌ها و مناره‌ها جمع شود، غروب تحقق می‌یابد؛ هرچند سرخی افق مشرق باقی باشد. بنابراین، اگر قرص خورشید ناپدید گردد، اما نور آن همچنان بر مکان‌های بلند باقی باشد، غروب تحقق نیافته است؛ چنان که با ناپدید شدن قرص خورشید بر اثر وجود ابر یا چیرگی تاریکی و مانند آن نیز غروب محقق نمی‌شود. (الجزیری، ج ۱، ۱۶۸؛ طوسی، ج ۱، ۲۶۱؛ ابن قدامه، ج ۱، ۲۷۶)

البته بنابر هر دو دیدگاه، غروب عبارت است از ناپدید و پنهان شدن قرص خورشید از افق غربی؛ اما اختلاف در این است که آیا سقوط قرص از افق با صرف دیده نشدن قرص آفتاب و نور آن در جاهای بلند تحقق می‌یابد و یا با از بین رفتن سرخی افق شرقی.

وقت فضیلت نماز مغرب

امامیه وقت فضیلت نماز مغرب را از غروب آفتاب می‌دانند تا برطرف شدن شفق مغربی و آن سرخی است که بعد از غروب آفتاب در سمت مغرب به هم رسد. (قمی، ج ۱، ۳۱۰؛ نجفی، ۱۶۷)





وقت مختص نماز مغرب

- امامیه وقت مخصوص نماز مغرب را از اول مغرب به مقدار انجام دادن آن یعنی سه رکعت می‌دانند. (حرعاملی، ج ۴، ۱۸۴؛ طوسی، ج ۲، ۲۸)
- شافعیه و حنابله گفته‌اند مغرب از غایب شدن قرص خورشید شروع و با پنهان شدن شفق قرمز از طرف مغرب ختم می‌شود. (مغنیه، ۸۰)
- حنفیه وقت مخصوص نماز مغرب را از ابتدای غروب می‌دانند که تا پنهان شدن شفق (سفیدی) از طرف مغرب ادامه دارد. (العینی، ج ۲، ۲۶)
- مالکیه در اینجا نیز به وقت اختیاری و اضطراری قائل است و معتقد است که وقت اختیاری برای شخص مختار امتداد ندارد، بلکه وقت مغرب کم و مخصوص است و آن از اول غروب به مقداری است که بتوان نماز مغرب را انجام داد همراه با شرایط آن از جمله طهارت و ستر عورت و اذان و اقامه و تأخیر آن از این وقت در حال اختیار جایز نیست اما وقت مغرب برای شخص مضطر در حال ضروری تا طلوع فجر ادامه دارد. عدم جواز تأخیر مغرب از اول وقت چیزی است که مالکیه در آن منفرد است. (الجزیری، ج ۱، ۱۶۸)

انتهای وقت نماز مغرب

- امامیه پایان نماز مغرب را مقدار ۴ رکعت به نصف شب مانده می‌دانند که این وقت برای شخص مضطر به اندازه چهار رکعت مانده به طلوع فجر ادامه دارد. (حرعاملی، ج ۴، ۱۸۴؛ طوسی، ج ۲، ۲۸؛ طوسی، ج ۱، ۷۵)
- شافعیه و حنابله انتهای وقت نماز مغرب را پنهان شدن شفق قرمز از طرف مغرب می‌دانند. (النووی، ج ۳، ۲۰؛ ابن قدامه، ج ۱، ۲۷۶؛ مغنیه، ۸۰)
- ابوحنیفه آخر وقت مغرب را هنگام پنهان شدن شفق (سفیدی) از طرف مغرب می‌دانند. (العینی، ج ۲، ص ۲۶)
- مالکیه چنان که گفته شد در انتهای وقت نماز مغرب به وقت اختیاری برای شخص مختار تا انجام نماز با مقدمات آن و وقت اضطراری برای مضطر تا طلوع فجر قائل است. (الجزیری، ج ۱، ۱۶۸؛ مغنیه، ۸۰)

نماز عشاء

آخرین نمازی که به آن پرداخته می‌شود و پایان وقت آن در قرآن با تعبیر «عسق اللیل» ذکر شده نماز عشاء است که بنابر تفاسیر مختلفی که از آن شده وقت آن نیز مورد اختلاف بین مذاهب می‌شود.

آغاز وقت نماز عشاء

- امامیه، آغاز وقت نماز عشا را مقدار ۳ رکعت از مغرب گذشته، می‌داند. (خمینی، ج ۱، ۱۳۸؛ بهایی، ۱۱۴)

مذاهب اربعه در آغاز وقت عشاء با یکدیگر متفق القول هستند و آغاز وقت نماز عشا را پنهان شدن شفق می‌دانند. (طوسی، ج ۱، ۲۶۲؛ ابن قدامه، ج ۱، ۳۹۲)

- شافعیه، حنبله و مالکیه ابتدای وقت نماز عشاء را پنهان شدن شفق قرمز از طرف مغرب می‌دانند. (النووی، ج ۳، ۲۰؛ ابن قدامه، ج ۱، ۲۷۶؛ مغنیه، ۸۰؛ الجزیری، ج ۱، ۱۶۸)

- حنیفه ابتدای وقت نماز عشاء را هنگام پنهان شدن شفق (سفیدی) از طرف مغرب می‌دانند. (العینی، ج ۲، ص ۲۶)

وقت فضیلت نماز عشاء

امامیه معتقد است وقت فضیلت نماز عشاء بعد از برطرف شدن شفق است تا ثلث شب. (قمی، ج ۱، ۳۱۰)

وقت مختص نماز عشاء

امامیه وقت اختصاصی عشا را به مقدار ادای نماز عشا از آخر وقت یعنی نیمه شب می‌داند. (مغنیه، ۸۱)

مذاهب اربعه وقت مخصوص نماز عشاء را از پنهان شدن شفق می‌دانند تا ثلث اول شب. (الجزیری، ج ۱، ۱۶۸؛ ابن القدامه، ج ۱، ۲۷۸؛ العینی، ج ۲، ۳۰)





وقت مشترک نماز مغرب و عشاء

امامیه فاصله بین دو وقت مخصوص مغرب و عشاء را وقت مشترک مغرب و عشا می‌دانند که جمع نماز مغرب و عشا در این وقت مشترک جایز است. (طوسی، ج ۲۸؛ طوسی، ج ۱، ۲۶۳)

انتهای وقت عشاء

– امامیه پایان وقت نماز عشاء را هنگام نیمه شب شرعی (فاصله میان مغرب تا اذان صبح) می‌داند، که این وقت برای شخص مضطر تا طلوع فجر ادامه دارد. (طوسی، ج ۱، ۲۶۵؛ مغنیه، ۸۱)

– مذاهب اربعه آخر وقت عشاء را برای انسان مختار، ثلث اول شب و برای مضطر، طلوع فجر می‌داند. (الجزیری، ج ۱، ۱۶۸؛ ابن القدامه، ج ۱، ۲۷۸؛ العینی، ج ۲، ۳۰)

حکم جمع بین نماز ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء

دیدگاه فقهاء در جمع بین دو نماز در مذاهب خمس

جمع میان دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا در مزدلفه و عرفات نزد همه فقهای امامیه و اهل سنت جایز است؛ اما در غیر این دو مورد اختلاف نظر وجود دارد.

– طبق نظر امامیه جمع بین نمازهای (ظهر و عصر، مغرب و عشاء) مطلقاً در هر شرایطی (در وطن و یا در مسافرت، مریضی و سلامتی، با عذر و بدون عذر، شرایط بارانی و غیر بارانی) جایز است. (العاملی الجزینی، شهید اول، ج ۲، ۳۳۲)

– حنفیه که قائل به عدم جواز بین صلاتین می‌باشند نه در سفر و نه در حضر به هر عذری مگر در دو مورد یکی در عرفه و دیگر در مزدلفه. (العینی، ج ۴، ۲۱۷؛ عبدالرحمن الجزیری، ج ۱، ۴۴۱)

– مشهور شافعیه که قائل به جواز جمع می‌باشند برای مسافر و در باران و برف آن هم با شرائطی و به نظر آنان به خاطر تاریکی شدید و باد و ترس و مرض جمع جایز نیست. (الشافعی، ج ۱، ۹۵؛ النووی، ج ۴، ۳۷۸؛ الجزیری، ج ۱، ۴۴۰)

- مشهور مالکیه اسباب جمع را از این قرار می‌دانند: سفر، بیماری، باران، گل آلود بودن با تاریکی آخر ماه و بودن در عرفه و مزدلفه برای حجاج با شرایطی. (الجزیری، ج ۱، ۴۳۸)

- حنبله جمع را جایز می‌دانند در عرفه و مزدلفه و برای مسافر، بیمار، زن شیرده، زن مستحاضه، سلس البول، عاجز از طهارت آبی یا تیمم، عاجز از شناخت وقت، خائف بر نفس یا مال یا آبرو، خائف از ضرر در زندگی و در برف، باران، سرما، باد و گل آلود بودن که البته شرائطی را نیز ذکر می‌کنند. (ابن القدامه، ج ۲، ۲۰۵؛ الجزیری، ج ۱، ۴۴۱-۴۴۲)

- جماعتی از اصحاب حدیث و برخی از اصحاب شافعی و غیره که قائل شده‌اند جمع در حضر برای انجام حاجتی مطلقاً جایز است مادام که به عنوان عادت اتخاذ نشود. (همان)

جواز جمع بین دو نماز

قرآن

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا». (اسراء/ ۷۸) «نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب برپا دار و همچنین نماز صبح را؛ زیرا نماز صبح، مشهود (فرشتگان شب و روز) است.»

در این آیه، اوقات دو نمازی پنج گانه بیان شده است؛ زیرا اگر عبارت «غسق اللیل» را به نیمه شب تفسیر کنیم، فاصله زمانی بین «دلوک»؛ یعنی زوال خورشید و «غسق اللیل»، یعنی نیمه شب، زمان نمازهای چهارگانه است. اما دلیلی داریم که نشان می‌دهد با غروب خورشید، زمان خواندن نماز ظهر و عصر، به پایان می‌رسد، بنابراین فاصله زمانی بین زوال خورشید و غروب خورشید، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است، همچنان که فاصله زمانی میان غروب خورشید تا نیمه شب، وقت مشترک نماز مغرب و عشا است. ممکن است واژه «غسق» به غروب خورشید تفسیر شود. در این صورت آیه فوق درصدد بیان وقت نماز ظهر و عصر و نماز صبح است، نه نماز مغرب و عشا. اما تفسیر معروف همان تفسیر اول است. طبرسی (ره) گفته است: «این آیه نشان می‌دهد که وقت نماز ظهر تا آخر روز توسعه دارد؛ زیرا خداوند در این آیه، «دلوک الشمس»، یعنی زوال خورشید را تا «غسق اللیل»؛ یعنی نیمه شب، وقت نمازهای چهارگانه قرار داده است. اما از



زوال خورشید تا غروب، وقت مشترک نماز ظهر و عصر و از غروب خورشید تا نیمه شب وقت مشترک نماز مغرب و عشا است و وقت نماز صبح را جداگانه و با عبارت «قرآن الفجر» بیان کرده است. بنابراین در این آیه وجوب نمازهای پنج گانه و اوقات آنها بیان شده است.» (طبرسی، ج ۳، ۴۳۴)

فخر رازی در تفسیر الکبیر خود گفته است: «اگر «غسق» را به پیدایش اولین تاریکی تفسیر کنیم در این صورت «غسق»، عبارت است از اول مغرب. بنابراین در آیه مزبور ذکر سه وقت به میان آمده: وقت زوال، وقت اول مغرب و وقت صبح و این اقتضا می کند که زوال، وقت نماز ظهر و عصر و در نتیجه وقت مشترک این دو نماز باشد و اول مغرب، وقت نماز مغرب و عشا و در نتیجه وقت مشترک این دو نماز باشد و معنای این سخن، این است که در هر حالتی بتوانیم نمازهای ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم بخوانیم.» (فخر رازی، ج ۲۱، ۲۷)

روایات

ابتدا از منابع امامیه روایاتی را که به جواز جمع بین دو نماز تصریح کرده اند، ذکر می کنیم، سپس از منابع اهل سنت.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْحَضَرِ مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ» (صدوق، ج ۱، ۱۸۶)

رسول خدا [نماز ظهر و عصر را با اذان و دو اقامه و همچنین مغرب و عشا را در غیر سفر و بدون هیچ عذری با یک اذان و دو اقامه، با هم خواند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ وَ لَا سَبَبٍ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ وَ كَانَ أَجْرًا الْقَوْمِ عَلَيْهِ أَحْدَثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ قَالَ لَا وَ لَكِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَوْسَعَ عَلَى أُمَّتِي.» (صدوق، ۳۲۱)

رسول خدا [نماز ظهر و عصر را بدون هیچ دلیلی در یک مکان به جا آورد. عمر (که بی پرواترین افراد نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله بود) گفت: آیا در نماز چیزی روی داده است؟ حضرت فرمود: نه، ولی خواستم دست امت را در این زمینه باز گذارم.

از اهل سنت روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله بر جواز با هم خواندن دو نماز در غیر سفر و از روی اختیار، وجود دارد که صاحبان صحاح، سنن و مسانید آنها را نقل کرده‌اند. ما در اینجا به مختصر به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

مسلم در صحیح خود از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه، نماز ظهر و عصر را بدون این که ترسی وجود داشته باشد و یا در سفر باشد، به صورت جمع خواند.

ابو زبیر می‌گوید: از سعید پرسیدم: چرا پیامبر چنین کرد؟ سعید گفت: همین سؤال را من هم از ابن عباس پرسیدم و او در پاسخ گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله خواست هیچ کس از امتش به مشقت نیفتد. (مسلم، ج ۵، ۲۱۳)

بخاری از جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده است: «پیامبر [هفت رکعت با هم و هشت رکعت نماز با هم به جای آورد» (بخاری، ج ۱، ص ۱۱۳)

ترمذی در سنن خود از ابن عباس نقل می‌کند که: «پیامبر [در روزی که نه ترسی وجود داشت و نه باران، نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را با هم خواند. فردی به ابن عباس گفت: هدف پیامبر از این کار چه بود؟ ابن عباس در پاسخ گفت: هدف او این بود که امتش به زحمت نیفتند.» (ترمذی، ج ۱، ۳۵۴)

امام احمد بن حنبل از قتاده روایت کرده است: از جابر بن زید از ابن عباس شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و در حالی که نه ترسی وجود داشت و نه باران، بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا جمع کرد. از ابن عباس سؤال شد: هدف ایشان از این کار چه بود؟ او گفت: پیامبر [با این کار خواست که امتش به زحمت نیفتند. (ابن حنبل، ج ۱، ۲۲۳)



مالک از سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس روایت کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند و این در حالی بود که نه ترسی وجود داشت و نه در سفر بود. (مالک، ج ۱، ص ۱۴۴)

ابی داود از سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس نقل کرده است: رسول خدا [هنگامی که نه در سفر بود و ترسی هم وجود نداشت، نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند. (ابی داود، ج ۲، ص ۶)

نسائی از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که: پیامبر [در مدینه هنگامی که باران و ترسی وجود نداشت، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم می خواند. از ابن عباس سؤال شد دلیل این عمل پیامبر [چه بود؟ در پاسخ گفت: دلیلش این بود که امتش به زحمت نیفتند. (نسائی، ج ۱، ص ۲۹۰)

این روایات صراحت دارند که رسول خدا [، بدون این که ترس، باران و یا دلیل دیگری وجود داشته باشد، در مدینه بین دو نماز جمع می کرد، تا بیان کند با هم خواندن دو نماز جایز و مشروع است و کسی توهم نکند که چون او همواره دو نماز را در وقت خود و وقت فضیلت آن اقامه می کند، واجب است جدا از هم اقامه شوند. بنابر این رسول خدا [با این عمل ثابت کرد که هر چند خواندن دو نماز در وقت خود بهتر است اما با هم خواندن آنها نیز جایز است.



کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲. _____، علل الشرایع، منشورات المكتبة الحیدریه و مطبعتها فی النجف، بی جا.
۳. ابن جنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد، مسند احمد، قاهره، دار الحديث، ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن عباد، صاحب، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب، بیروت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن مالک، مالک بن أنس، موطأ، الامارات مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریه والإنسانیه، ۱۴۲۵ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت - لبنان، دار الفكر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ ق.
۸. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان، دار العلم، اول، ۱۴۱۲ ق.
۹. اصفهانی، محمدتقی رازی نجفی، رساله صلاتیه، قم، انتشارات ذوی القربی، اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۰. أنصاری، مرتضی، کتاب الصلاة، انتشارات الرسول المصطفی صلی الله علیه و آله، قم، بی تا
۱۱. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله، صحیح بخاری، دمشق، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. بهائی، ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۹ ق.



۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی بن سَوْرَة بن موسی بن الضحاک، سنن ترمذی، مصر، مکتبته ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ ق.
۱۴. الجزیری، عبد الرحمن بن محمد عوض، الفقه على المذاهب الأربعة، بیروت، دار الکتب العلمیة، دوم، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. حرّاعلی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. سجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داود، بیروت، المکتبته العصریة، ۲۰۰۹ م.
۱۷. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق، دار الفكر، دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. شافعی، أبو عبدالله محمد بن إدريس، الأم، المعرفة — بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. شریینی الشافعی، شمس الدین، محمد بن أحمد، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیته، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، رسائل الشریف المرتضی، دار القرآن الکریم، قم، اول، ۱۴۰۵ ق.
۲۱. طباطبای، محمدحسین، تفسیرالمیزان، منشورات اسماعیلیان، بی تا.
۲۲. طبری، ابوجعفر، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، قاهره، بی جا، ۱۳۷۴ ق.
۲۳. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. _____، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دار الکتب الإسلامیة، اول، ۱۳۹۰
۲۶. _____، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. _____، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المکتبته المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، سوم، ۱۳۸۷ ق.
۲۸. _____، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ذکرى الشیعة فی أحکام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۹ ق.
۳۰. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵



۳۱. عیاشی، محمود بن عباس، تفسیر عیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، اول، ۱۳۸۰ ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. قمی، عباس، الغایة القصوی فی ترجمه العروۃ الوثقی، قم، منشورات صحیح پیروزی، اول، ۱۴۲۳ ق.
۳۴. مالک بن انس، موطأ، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق.
۳۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰
۳۶. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیجا، انتشارات علوم اسلامی، بی تا.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، اول، ۱۴۲۷ ق.
۳۸. مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه فارسی، بیجا، بی تا.
۳۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، کتابفروشی اسلامی، سوم، ۱۳۷۲ ش.
۴۰. _____، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، هفتم، ۱۳۶۲ ش.
۴۱. نووی، أبوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، دارالفکر، بی جا، بی تا.
۴۲. نیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، صحیح مسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴۳. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، اول، ۱۴۱۴ ق.

